

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

گروه: مدرسی معارف اسلامی

گرایش آشنایی با منابع اسلامی

عنوان:

شادی، چستی و تأثیر آن در زندگی فردی و

اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام

استاد راهنما:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله موحدی محب

استاد مشاور:

حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد رضا احمدی

نگارش:

مرتضی عینلو

۱۳۹۲

کلیه حقوق این پایان نامه اعم از چاپ، تکثیر، نسخه برداری، ترجمه، اقتباس و... برای دانشگاه معارف اسلامی محفوظ است، نقل مطالب با ذکر ناخذ بلا مانع است.

تقديم به

مفتاح الكلام و بدر التمام و نضرة الأيام و بوقتة الله في

أرضه اعنى حجة بن الحسن العسكري عجل الله تعالى فرجه.

قال اللام الرضا علیه السلام:

”من لم یسکر المنعم من المخلوقین لم یسکر الله“.

در طول انجام این پژوهش از راهبانی و حکم افراد متعددی بهره برده‌ام که ضمن حمد و سپاس به درگاه خداوند متعال، بر خود لازم می‌دانم از همه اساتید و بزرگوارانی که در به سرانجام رسیدن این پژوهش تأثیرگذار بودند شکر و قدردانی بکنم به ویژه از استاد فریخته حضرت حجة الاسلام والمسلمین دکتر عبدالله موحدی محب دام غزه که به عنوان استاد راهبنا، زحمات فراوانی را متحمل شده و بار بار راهبانی‌های بسیار سودمند، در زمینه محتوا و ساختار پایان نامه مرا ممنون لطف خویش ساختند. قدردان و سپاس گزار هستم و همچنین از استاد معظم حضرت حجة الاسلام دکتر محمد رضا احمدی دام غزه که به عنوان استاد مشاور قبول زحمت کرده و پایان سخنان سودمند در زمینه ساختار پایان نامه این جانب را برین لطف خود ساخته شکر و قدردانی می‌کنم و از همه مؤولین، اساتید، و کارمندان دانشگاه خالصانه پاسکزاری نموده و از خداوند متعال توفیق خدمت این عزیزان در عرصه‌های مختلف زندگی به خصوص در زمینه تبیین و تبلیغ معارف اسلامی را خواستارم.

## چکیده :

یکی از مؤثرترین پدیده‌های هیجانی که توسط خالق هستی به انسان داده شده شادی و نشاط است. اسلام مخالف شادی نبوده و آن را از جنس غفلت نمی‌داند، چرا که با بیان "اوقات السرور خلسه" آدمی را به استفاده از آن تشویق می‌کند، و از طرفی دیگر برای آن ملاک و حدودی نهاده است که از آنها با عنوان عوامل و موانع شادی یاد می‌کنیم که با رعایت آنها آثار مثبت و مهم آن در زندگی ظهور می‌کند. و چه بسا حدود مزبور از سوی انسان‌ها مورد غفلت واقع گردیده در نتیجه، شادی، کارایی لازم خود را از دست داده و آسیب‌های حاصله از آن نصیب آدمی می‌شود. ملاک شادی در کلام امام علی علیه السلام بسط خاطر و آرامش درونی خوانده شده است که مطابق با فطرت پاک انسان بوده و در بسیاری از امور راهگشاست. با توجه به اینکه نوع بینش و نگرش انسان به دنیا و حوادث واقعه در آن، تاثیر مهمی در کاهش یا افزایش شادکامی انسان دارد سهل‌ترین راه وصول به شادکامی دین‌مداری است.

روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده که اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای - مکتوب و دیجیتال - و با ابزار فیش‌برداری از کتب به سامان رسیده است.

نتایج تحقیق حاضر نشان داد که شادی از دیدگاه امام علی علیه السلام حالتی است که بر اثر آن آدمی در درون احساس انبساط و آرامش کرده که زمینه‌ساز فعالیت بیشتر در مسیر ادای وظایف انسانی می‌گردد. امام علی علیه السلام باورهای دینی، رفتارهای اخلاقی مثبت، برخی عناصر مادی و لذت‌های طبیعی را از عوامل شادی شمرده و در مقابل، آسیب‌های اخلاقی، عملی، اقتصادی، طبیعی و آسیب‌های خیالی و ماورائی را از موانع شادی یاد کرده است. با توجه به نظریه شعور جمعی که بیانگر این است: شادی و اندوه انسان به دیگران نیز سرایت می‌کند، رعایت آدابی که در بیان پیشوایان دین برای شادمانی، بیان شده است را بیشتر مورد توجه قرار می‌دهد چرا که با رعایت آنها بهره‌مندی آدمی از شادی بیشتر می‌شود. از آثار شادی در زندگی می‌توان از آمادگی برای عبادت، برقراری روابط صحیح اجتماعی، انبساط روحی، سلامتی جسم، افزایش قدرت عقل، موفقیت در تحصیل و کم شدن تعلقات نام برد. سخن آخر اینکه امام علی علیه السلام یکی از اساسی - ترین راه‌های دست‌یابی به شادمانی را رضایت از خدای تبارک و تعالی در تمامی مراحل زندگانی می‌داند. **واژگان کلیدی :** امام علی علیه السلام، شادی، نشاط، عوامل شادی، موانع شادی، تأثیر شادی.

## فهرست مطالب

أ	فهرست مطالب.....
١	مقدمه .....
٥	١. فصل اول کلیات و مفاهیم.....
٦	١-١. بیان مسأله.....
٦	٢-١. اهمیت و ضرورت .....
٦	٣-١. اهداف .....
٦	٤-١. پرسشها و فرضیه‌ها.....
٦	١-٤-١. سؤال اصلی .....
٧	٢-٤-١. سؤالات فرعی .....
٧	٣-٤-١. فرضیه‌ها.....
٧	٥-١. روش تحقیق .....
٧	٦-١. واژه‌شناسی .....
٧	١-٦-١. واژه‌های مترادف شادی .....
٨	١-٦-١-١. فرح.....
٩	٢-٦-١-١. سرور .....
١١	٣-٦-١-١. بطر .....
١١	٤-٦-١-١. بهجت.....
١٢	٥-٦-١-١. حیر .....
١٣	٦-٦-١-١. طرب.....
١٣	٧-٦-١-١. نشاط.....
١٣	٩-٦-١-١. مرح.....
١٤	٢-٦-١. مقابل‌ها و متضادها.....
١٤	١-٢-٦-١. تَرَح .....
١٤	٢-٢-٦-١. حُزن.....
١٦	٧-١. تعریف شادی .....

ب

- ۱-۷-۱. درنگی در کاربرد اصطلاح شادی در روان‌شناسی ..... ۱۶
- ۱-۷-۲. تعریف دقیق برای شادی ..... ۱۸
- ۱-۸-۱. انواع شادی ..... ۱۹
- ۱-۸-۱. شادی طبیعی و شادی اکتسابی ..... ۱۹
- ۱-۸-۲. شادی پایدار و شادی گذرا ..... ۲۰
- ۱-۸-۳. شادی مثبت و شادی منفی ..... ۲۱
- ۱-۸-۴. شادی غریزی و شادی فطری ..... ۲۵
- ۱-۸-۵. شادی مادی و شادی معنوی ..... ۲۶
۲. فصل دوم تحلیل شادی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۲۸
- ۱-۲-۱. جایگاه شادی در دین ..... ۲۹
- ۲-۲. مقدم بودن شادی بر غم ..... ۳۰
۳. فصل سوم عوامل شادمانی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۳۷
- ۱-۳-۱. باورهای دینی و نقش آنها در شادکامی ..... ۳۹
- ۱-۳-۱-۱. ایمان راستین ..... ۴۱
- ۱-۳-۲. توکل ..... ۴۳
- ۱-۳-۳. رضایت به تقدیر الهی ..... ۴۵
- ۱-۳-۴. حسن ظن به خدا ..... ۴۷
- ۲-۳-۲. رفتارهای اخلاقی ..... ۴۷
- ۱-۳-۲-۱. اخلاق ارتباطی ..... ۴۸
- ۱-۳-۲-۱-۱. انس با دیگران ..... ۴۹
- ۱-۳-۲-۲. خوش اخلاقی ..... ۴۹
- ۱-۳-۲-۳. خوش گمانی ..... ۵۰
- ۱-۳-۲-۴. خوش طبعی ..... ۵۱
- ۱-۳-۲-۶. مدارا کردن ..... ۵۳
- ۱-۳-۲-۷. تغافل ..... ۵۴
- ۱-۳-۲-۸. پرهیز از کینه‌توزی ..... ۵۵
- ۱-۳-۲-۹. رازداری ..... ۵۵



ج

- ۵۷ ..... ۱۰-۱-۲-۳ وفاداری
- ۵۸ ..... ۱۱-۱-۲-۳ شاد ساختن دیگران
- ۶۰ ..... ۱۲-۱-۲-۳ حسن معاشرت
- ۶۱ ..... ۱۳-۱-۲-۳ صداقت
- ۶۲ ..... ۲-۲-۳ اخلاق فردی
- ۶۳ ..... ۱-۲-۲-۳ قناعت
- ۶۳ ..... ۲-۲-۲-۳ عفت ورزی
- ۶۵ ..... ۳-۲-۲-۳ دوران‌دیشی
- ۶۶ ..... ۴-۲-۲-۳ اصلاح نهان
- ۶۶ ..... ۵-۲-۲-۳ حضور در زمان حال
- ۶۷ ..... ۶-۲-۲-۳ تصحیح بینش
- ۶۸ ..... ۳-۳ مناسک عبادی
- ۷۰ ..... ۱-۳-۳ نماز
- ۷۰ ..... ۲-۳-۳ روزه
- ۷۱ ..... ۳-۳-۳ تلاوت قرآن
- ۷۲ ..... ۴-۳ عناصر مادی و لذت‌های طبیعی
- ۷۲ ..... ۱-۴-۳ لذت تغذیه
- ۷۲ ..... ۱-۱-۴-۳ گوشت
- ۷۳ ..... ۲-۱-۴-۳ کدو
- ۷۴ ..... ۳-۱-۴-۳ عسل
- ۷۴ ..... ۴-۱-۴-۳ هلیم
- ۷۴ ..... ۵-۱-۴-۳ گیاه اسپند
- ۷۴ ..... ۲-۴-۳ استفاده از رنگ‌های شاد
- ۷۵ ..... ۱-۲-۴-۳ رنگ در قرآن
- ۷۶ ..... ۲-۲-۴-۳ رنگ زرد
- ۷۷ ..... ۳-۲-۴-۳ رنگ سفید
- ۷۸ ..... ۴-۲-۴-۳ رنگ سبز

- ۳-۴-۳. نظافت ..... ۷۹
- ۳-۴-۴. بوی خوش ..... ۸۰
- ۳-۵-۵. عوامل ماورائی ..... ۸۰
- ۳-۵-۱. رابطه ناشناخته روانی ..... ۸۱
- ۳-۵-۲. القائات فرشته و شیاطین ..... ۸۲
۴. فصل چهارم موانع شادمانی از دیدگاه امیرالمومنین (ع) ..... ۸۴
- ۴-۱. موانع شادمانی ..... ۸۵
- ۴-۱-۱. آسیب‌های اخلاقی و اجتماعی ..... ۸۷
- ۴-۱-۱-۱. گناه ..... ۸۷
- ۴-۱-۱-۲. بد گمانی ..... ۸۹
- ۴-۱-۱-۳. خودشیفتگی ..... ۹۰
- ۴-۱-۱-۴. حسادت ..... ۹۲
- ۴-۱-۱-۵. کینه ..... ۹۴
- ۴-۱-۱-۶. خشم ..... ۹۴
- ۴-۱-۱-۷. آرزو ..... ۹۶
- ۴-۱-۱-۸. شتاب‌زدگی ..... ۹۹
- ۴-۱-۱-۹. دنیادوستی ..... ۱۰۱
- ۴-۱-۱-۱۰. آزمندی ..... ۱۰۳
- ۴-۱-۲. آسیب‌های عملی ..... ۱۰۵
- ۴-۱-۲-۱. روی گردانی از خدا ..... ۱۰۶
- ۴-۲-۱. پیروی از هوس‌ها ..... ۱۰۷
- ۴-۲-۳. چشم‌چرانی ..... ۱۰۹
- ۴-۲-۴. کوتاهی در کار ..... ۱۱۱
- ۴-۲-۵. فرصت‌سوزی ..... ۱۱۲
- ۴-۳-۱. آسیب‌های اقتصادی ..... ۱۱۳
- ۴-۳-۱-۱. فقر ..... ۱۱۳
- ۴-۳-۲. بدهکاری ..... ۱۱۵

- ۱۱۶..... ۳-۳-۱-۴. انباشت مال
- ۱۱۷..... ۴-۱-۴. آسیب‌های طبیعی
- ۱۱۸..... ۱-۴-۱-۴. سردی مزاج
- ۱۱۹..... ۲-۴-۱-۴. مرگ
- ۱۲۰..... ۳-۴-۱-۴. آسیب‌های جدانشدنی از دنیا
- ۱۲۲..... ۵-۱-۴. آسیب‌های خیالی
- ۱۲۲..... ۱-۵-۱-۴. اندوه روزی که فرا نرسیده
- ۱۲۴..... ۲-۵-۱-۴. اندوه ناشی از وسوسه‌های شیطان
- ۱۲۵..... ۲-۴. آداب شادمانی
- ۱۲۵..... ۱-۲-۴. حق‌مداری
- ۱۲۷..... ۲-۲-۴. سرمستی نکردن (اعتدال در شادی)
- ۱۲۸..... ۳-۲-۴. اجتناب از شادی‌های ناروا
- ۱۲۸..... ۱-۳-۲-۴. شاد شدن برای دنیا
- ۱۳۰..... ۲-۳-۲-۴. خرسندی از لغزش دیگران
- ۱۳۱..... ۳-۳-۲-۴. شاد شدن به ستایش دروغین
- ۱۳۱..... ۴-۲-۴. پرهیز از بلند خندیدن
- ۱۳۲..... ۵-۲-۴. پرهیز از زیاد خندیدن
- ۱۳۳..... ۶-۲-۴. شادی نکردن برای گناه
- ۱۳۴..... ۵. فصل پنجم آثار شادی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۱۳۵..... ۱-۵. اثر بخش بودن شادی و غم
- ۱۳۵..... ۲-۵. نظریه شعور جمعی
- ۱۳۶..... ۳-۵. مؤمن در بیان امام معصوم علیه السلام
- ۱۳۷..... ۴-۵. آثار شادی در زندگی فردی و اجتماعی
- ۱۳۷..... ۱-۴-۵. آمادگی و نشاط برای عبادت
- ۱۳۷..... ۲-۴-۵. برقراری روابط صحیح اجتماعی
- ۱۳۹..... ۳-۴-۵. انبساط روحی
- ۱۳۹..... ۴-۴-۵. سلامتی جسم و روح

- ۱۳۹..... ۵-۴-۵. رشد اقتصادی.....
- ۱۴۰..... ۷-۴-۵. افزایش قدرت عقل.....
- ۱۴۱..... ۷-۴-۵. موفقیت در تحصیل و رشد علمی.....
- ۱۴۱..... ۸-۴-۵. پرورش خلاقیت.....
- ۱۴۲..... ۹-۴-۵. کم شدن تعلقات.....
- ۱۴۳..... ۶. فصل ششم آسیب‌شناسی شادی از دیدگاه امیرالمؤمنین (ع).....
- ۱۴۴..... ۱-۶. آسیب‌شناسی شادی.....
- ۱۴۴..... ۱-۱-۶. افراط در شادی.....
- ۱۴۵..... ۲-۱-۶. نامشروع بودن شادی.....
- ۱۴۶..... ۳-۱-۶. وجود پیامدهای منفی برای شادی.....
- ۱۴۶..... ۱-۳-۱-۶. غفلت از یاد خدا.....
- ۱۴۷..... ۲-۳-۱-۶. غفلت از آخرت.....
- ۱۴۷..... ۳-۳-۱-۶. تزاخم با امور مهم زندگی.....
- ۱۴۸..... ۴-۱-۶. وجود مقارنات مذموم.....
- ۱۴۹..... خاتمه.....
- ۱۵۲..... فهرست منابع.....
- ۱۵۲..... منابع فارسی.....
- ۱۵۵..... منابع عربی.....
- ۱۶۰..... پایان نامه‌ها.....
- ۱۶۰..... مقالات.....
- ۱۶۲..... نمایه‌ها.....
- ۱۶۲..... اصطلاحات.....
- ۱۶۳..... اشخاص.....
- ۱۶۴..... کتب.....

## مقدمه

مسلمانان بنا بر گفته کتاب آسمانی خود قرآن، چنین باوری دارند که اسلام برنامه کاملی برای زندگی انسان ارائه می‌دهد و در ضمن پاسخ‌گویی به نیازهای مختلف او با فطرتش هم کاملاً سازگار هست. با جرأت می‌توان گفت که یکی از معجزات اسلام، این است که چهارده قرن پیش از این در عصر حاکمیت جهل و خشونت بر جهان الگویی از شادکامی را به جهانیان عرضه کرد که در دوران شکوفایی علم، دانشمندان جهان از طریق تجربه و تدریجاً به آن نزدیک می‌شوند.

خالق انسان‌ها در حین خلقت نعمت‌های فراوانی را بدون منت به انسان ارزانی داشته است یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی که در آفرینش انسان به ودیعت نهاده شده، وجود هیجان‌هاست که نقش مؤثری را در زندگی ایفا می‌کنند. زندگی انسان در تمامی مراحل رشد مملو از هیجان‌هاست که بدون آن‌ها حیات بشری بی‌روح، تیره و ماشینی می‌نماید.

یکی از موثرترین پدیده‌های هیجانی، شادی و نشاط است که آثار مثبت و مهمی در زندگی انسان دارد، ولی متأسفانه در مباحث روانشناسی نادیده انگاشته شده است به طوری که یکی از روان‌شناسان چنین می‌گوید: یکی از غریب‌ترین نشانه‌های مشخص عصر ما که کمتر قابل تفسیر است غفلت روان‌شناسان از موضوع شادی است.<sup>۱</sup> غم و شادی از لوازم زندگی است و کسی را نمی‌توان یافت که این دو را تجربه نکرده باشد و این بدان خاطر است که ذهن آدمی پیوسته تحت تأثیر احساسات و ادراکات و تصورات خویش است.

نیازهای انسان را می‌توان در دید کلی به این نحو تقسیم کرد که انسان یا در جمع است یا در تنهایی خویش و در هر دو حالت نیازهایی برای وی مطرح است که باید به آن‌ها جواب داده شود. نیازهای تنهایی انسان عبارتند از:

۱ - نیازهای طبیعی یا مادی مانند نیاز به آب، غذا، هوا.

۲ - نیازهای روانی مانند نیاز به محبت، ستودن، شادی.

۳ - نیازهای عالی مانند حس کنجکاوی که از نیاز انسان به شناخت سرچشمه می‌گیرد و حس قدرت‌طلبی که به خاطر وجود ضعف در انسان فرد خواستار قدرت است. "باید توجه داشت که نیازهای روانی انسان همزمان با نیازهای مادی مطرح است و عدم تأمین به موقع این نیازها می‌تواند حساسیت انسان را نسبت به نیازهای عالی به تأخیر انداخته"<sup>۲</sup> و وی را با مشکل مواجه کند. و "همین نیازها که انسان به تنهایی قادر به

۱. گل‌سیما امامی‌العیرضی، سرور و شادمانی از دیدگاه قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، دانشکده اصول دین،

۱۳۸۴، ص ۴.

۲. همان، ص ۵.

پاسخگویی به آنها نیست باعث می‌شود که انسان اجتماعی شود<sup>۱</sup>. حال با حرکت انسان در اجتماع موانعی مطرح می‌شود که نیاز به آزادی را در او زنده می‌کند و در حیطه آزادی تجاوزها شکل می‌گیرد و نیاز به عدالت پدیدار می‌گردد و با رشد عدالت، رفاه شکل می‌گیرد و در هنگام رفاه، پوچی به وجود می‌آید و در این هنگام نیاز به معنویت مطرح می‌شود و مجموعه نیازها و ارضاء این نیازها هست که انسان را به تکامل می‌رساند.

اکنون که انسان با این همه نیاز مواجه است باید مکتبی را اتخاذ کند که به تمامی این نیازها پاسخگو باشد و انسان را سرشار کند. مکتب مورد نظر باید به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه داشته و راه‌حل‌های مطمئنی برای تأمین این نیازهای گسترده ارائه دهد.

اعتقاد ما بر این است: اسلام، که بهتر از هر آیین دیگری سعادت زندگی بشر را تأمین و تضمین می‌کند، چنین هنری را دارد<sup>۲</sup> و به تمامی ابعاد وجودی انسان توجه کرده و اعتدال را در تمامی دستورات رعایت کرده است.

شهید مطهری ره می‌گوید:

"یکی از مختصات دین مبین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ‌کدام را از قلم نینداخته و معنای فطری بودن قوانین اسلامی، هماهنگی این قوانین و عدم ضدیت آن با فطریات بشر است"<sup>۳</sup>.

علامه طباطبایی ره می‌فرماید:

"مقتضای دین فطری این است که تجهیزات وجودی انسان الغاء نشود و حق هر یک از آنها اداء شود و جهازات مختلف و متضاد مانند قوای گوناگون عاطفی و احساسی که در هیکل وی به ودیعه گذارده شده تعدیل شده به هر کدام از آنها تا اندازه‌ای که مزاحم حال دیگران نشود رخصت عمل داده شود"<sup>۴</sup>.

یکی از نیازهای فرد در جامعه استفاده از ابزار شادی‌آفرین و در مرحله بعد ابراز شادی است و کسی که می‌خواهد از دیدگاه اسلام در رابطه با شادی مطلع شود باید از دریچه نگاه اسلام به دنیا و هویت انسان باخبر باشد زیرا اسلام یک مجموعه است و باید برای احراز احکام اجزای آن، آن جزء را در ضمن مجموعه دید. به خاطر همین مسأله است که شادی‌ها و غم‌های اسلام در میان ادیان و گروه‌ها متفاوت می‌نمایند

---

۱. محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام (قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۰ ش)، ص ۷۸

۲. همان، ص ۳.

۳. مرتضی مطهری، امدادهای غیبی، قم، صدرا، ۱۳۸۶، صص ۵۶-۵۷.

۴. محمد حسین طباطبایی، همان، ص ۹.

کما اینکه دیگر اقوام هم با همدیگر تفاوت چشمگیری دارند.

کایزل در رابطه با شادی می‌گوید: "به اطراف خود نگاه کنید که اندازه خوشی یا ناخوشی افراد به مقدار اموال و دارائیه‌ها نیست بلکه بیشتر به طرز فکر هر فردی است"<sup>۱</sup> و اسلام که طرز فکر و برنامه خاصی دارد شادی او هم در قالب خاصی باید ارائه شود. با توجه به این مطلب مهم، برای کشف نظر اسلام در این موضوع، باید سعی شود از همان نگاه اسلام به این نیاز توجه شود نه اینکه فکر خود را بر او تحمیل کنیم و آنچه که مقبول نفس خودمان است را به اسلام نسبت دهیم.

"با این حال دیده می‌شود که دو دیدگاه کلی در زمینه شادی وجود دارد که در مقابل همدیگر جبهه گرفته‌اند و هر یک به شکلی مسیر افراط یا تفریط را پیموده‌اند:

(الف) دیدگاه اول شادمانی را مساوی با لذت‌گرایی دانسته است و اسلام هم لذت‌گرایی را مذموم دانسته است در نتیجه این‌ها حکم به مذموم بودن شادی کرده‌اند. و گاهی شادی را از این باب که از جنس غفلت است مورد نکوهش قرار داده‌اند و در مقابل، اندوه را مساوی با هوشیاری و بیداری قلمداد کرده‌اند.

(ب) صاحبان این دیدگاه برآنند که شادی، حد و مرزی ندارد و نه تنها ضد ارزش‌هایی از قبیل معنویت و آزادی نیست بلکه خود نیز یک ارزش محسوب می‌شود.<sup>۲</sup>

با عنایت به این دو دیدگاه، عقل حکم می‌کند که هر دو، راهی غیر از صراط میانه را پیموده‌اند و از حد اعتدال خارج شده‌اند یعنی نباید هر نوع شادی را از جنس غفلت یا هرزگی دانست و نه شادی بی‌حد و حصر را ترویج کرد بلکه باید حد وسطی را برگزید و تعریفی ارائه داد که جامع و مانع باشد. سیره ماندگار معصومان علی هم السلام خود دلیل بر آن است که شادمانی از جنس غفلت نیست - اگر چه در بعضی موارد توسط برخی این دو حالت جمع شده است - و از طرفی دیگر اسلام برای شادی ملاک مشخص کرده و حدی بر آن نهاده است که باید با جستجو در منابع دینی به ملاک‌های مورد نظر دست یازید.

در نگاه دین انسان موجود ازلی نیست اما ابدی بوده و حیات جاویدان دارد و در این میان، زندگی تنها سرمایه او برای سعادت است. زندگی دنیا مزرعه آخرت است "الدنيا مزرعه الاخره"<sup>۳</sup> و زمان گذرا و عمر رو به کاهش است و هر لحظه صدای الرحیل به گوش می‌رسد و ناگهان پایان زندگی را بر وی اعلام می‌کنند. در نتیجه هر کس خوبی بکارد شادمانی درو کند و هر کس بدی بکارد پشیمانی و بد بختی. رسول

۱. کایزل جان بی، شادکامی، ترجمه: محمد حجازی (تهران، ابن سینا، ۱۳۴۰ ش) ص ۱

۲. گل سیما امامی العریضی، همان، ص ۱۲.

۳. محمد ابن زین الدین ابن ابی الجمهور، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، (قم، دار سید الشهداء، ۱۴۰۵ ه. ق)

۴. جلد ۱، ص ۲۶۸.

اکرم علیه السلام در وصیت خود به ابی ذر غفاری فرمودند: "يَا أَبَا ذَرٍّ، إِنَّكُمْ فِي مَمَرِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي آجَالٍ مَّنْقُوصَةٍ وَأَعْمَالٍ مَّخْفُوظَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، فَمَنْ يَزْرَعُ خَيْرًا يُوشِكُ أَنْ يَحْصُدَ رَغْبَةً، وَمَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يُوشِكُ أَنْ يَحْصُدَ نَدَامَةً، وَ لِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ"<sup>۱</sup> ای ابوذر تو در گذرگاه شب و روز به سر می‌بری، با عمری رو به کاستی، و کارهایی ثبت گشته، و مرگی که ناگهان فرا می‌رسد. آن کس که نیکی کشت کند، امید آن هست که نیکی بدرود، و آن کس که بدی بکارد، محصول آن پشیمانی خواهد بود. و به هر کشاورزی همان عاید شود که خود کشته است (هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت).<sup>۲</sup> و این اشاره‌ای است به آیه شریفه "لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى"<sup>۳</sup>.

و دنیا به تجارت‌خانه‌ای تشبیه شده است که سود و زیان آن در آخرت معلوم می‌شود با این نگاه، سعادت‌مند کسی است مورد کسب او در دنیا کارهای نیک باشد و نیز کسی که دنیا را به چشم دنیا دید و به آن در همان حد خویش ارزش نهاد امام علی علیه السلام می‌فرماید: "إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ تِجَارَةٍ، وَرَبِحُهَا أَوْ خُسْرُهَا الْآخِرَةُ، فَالْسَّعِيدُ مَنْ كَانَتْ بِضَاعَتُهُ فِيهَا الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ، وَمَنْ رَأَى الدُّنْيَا بَعَيْنِهَا، وَقَدَّرَهَا بِقَدَرِهَا"<sup>۴</sup>.

۱. محمدبن حسن الطوسی، الامالی، (قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ه. ق) اول، ص ۵۲۸.

۲. محمدرضا حکیمی و همکاران، الحیاء، ترجمه احمد آرام، (تهران، مرکز نشر دفتر اسلامی، ۱۳۸۰ ه. ش) اول، ۶ جلد، ج ۳، ص ۵۰۰.

۳. نجم، ۳۹.

۴. علی احمدی میانجی، مکاتیب الائمه علی هم السلام، (قم، دارالحدیث، ۱۴۲۶ ه. ش) ج ۱، ص ۲۹۰.



# ۱. فصل اول کلیات و مفاهیم

- واژه‌شناسی
- تعریف شادی
- انواع شادی

## ۱-۱. بیان مساله

یکی از نیازهای روانی انسان که در پیشرفت وی موثر است، سرور و شادمانی هست؛ که بر اندیشه و رفتار او تأثیرگذار است و زندگی را از حالت ایستایی خارج کرده تحولی شگرف در آن ایجاد می‌کند. اسلام، که دینی جامع و کامل است با توجه به نیازهای انسان و زمینه‌های تکامل او در جلوه‌های مختلف، نگاهی همه سویه کرده و برای تجدید توان، کسب نشاط و طراوت روحی آدمیان راهکارهایی ارائه کرده است. از سوی دیگر رهبانیت یا دوری از لذت‌های زندگی و شادی‌های شایسته فردی و اجتماعی را ممنوع ساخته و حضور انسان در عرصه‌های مختلف و بهره‌گیری از نشاط، تنوع و شادی را سیره‌ای پسندیده بلکه عبادتی بزرگ معرفی کرده است.

بی‌گمان آشنایی با مجموعه آموزه‌های دینی و ارائه آن‌ها، احیاگر اعتدال، روشن‌بینی و جامع‌نگری در رفتار فردی و اجتماعی در زمینه شادی هست.

## ۱-۲. اهمیت و ضرورت

یکی از ضروری‌ترین پژوهش‌ها، بررسی مسائل شادی در منابع اسلامی است. این از آن جهت است که از سویی شادکامی مطلوب همه بشر بوده و با سرنوشت انسان گره خورده است؛ و از سویی انسان‌ها معمولاً معنای شادکامی و عوامل آن را نمی‌شناسند و لذا از آن به دورند و یا دست کم دچار احساس ناشادکامی می‌باشند از این رو ضروری است که معنا و عوامل شادی به درستی شناسایی و حتی آموزش داده شوند تا در پرتو فهم معنا و به کار بستن عوامل، نشاط و خرسندی از زندگی و در زندگی به وجود آید. این در حالی است که متون دینی - قرآن و حدیث - آکنده از آموزه‌های شاد کننده می‌باشد چرا که دین در حقیقت ارائه‌کننده برنامه شادکامی برای دنیا و آخرت انسان است. دین به مقتضای الهی بودن خود تعریف خاصی از شادمانی دارد که با واقعیت نظام آفرینش و حیات انسانی هماهنگ است و مبنای مشخصی در این باره دارد که بر اساس آن عوامل متعددی را شامل می‌شود که به تحقق شادمانی کمک می‌رسانند.

## ۱-۳. اهداف

- ۱- شناسایی چیستی شادی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی ه‌السلام.
- ۲- شناسایی آثار شادی در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علی ه‌السلام.
- ۳- فراتر بردن مرزهای پژوهشی در زمینه معارف نهج‌البلاغه.

## ۱-۴. پرسش‌ها و فرضیه‌ها

### ۱-۴-۱. سؤال اصلی

حقیقت شادی و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام چیست؟

### ۱-۴-۲. سؤالات فرعی

- ۱- شادی چه اقسامی دارد؟
- ۲- دیدگاه امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد شادی چیست؟
- ۳- راه‌های دستیابی به شادی مشروع کدام است؟
- ۴- موانع شادی چه هستند؟
- ۵- شادی چه آثاری در زندگی انسان دارد؟
- ۶- شادی چه آسیب‌هایی دارد؟

### ۱-۴-۳. فرضیه‌ها

۱. شادمانی به چهار دسته طبیعی و اکتسابی، پایدار و گذرا، مثبت و منفی، غریزی و فطری تقسیم می‌شود.
۲. شادی در بیان حضرت علی علیه السلام حالتی است که بر اثر آن آدمی در درون احساس انبساط و آرامش کرده که زمینه ساز فعالیت بیشتر در مسیر ادای وظایف انسانی می‌گردد.
۳. از راه‌های اساسی دستیابی به شادمانی خشنودی از خداوند در تمامی مراحل زندگانی است.
۴. عدم اعتماد به خدا و منفی‌نگری در زندگی از مهمترین موانع شادی به شمار می‌آیند.
۵. از مهمترین آثار شادی در زندگی فردی به انبساط روح و رشد فزاینده علمی و اخلاقی و در حوزه اجتماعی به برقراری روابط صحیح اجتماعی می‌توان اشاره نمود.
۶. افراط و تفریط در شادی از آسیب‌های مهم شادی به حساب می‌آید.

### ۱-۵. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی بوده که اطلاعات مورد نیاز به شیوه کتابخانه‌ای-مکتوب و دیجیتال- و با ابزار فیش‌برداری از کتب به سامان رسیده است

### ۱-۶. واژه‌شناسی

بررسی واژه‌ها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهش، بدون تردید در رفع ابهام و ایجاد پویایی تحقیق تأثیر به‌سزایی دارد. این کار در واقع فهم مسائل را آسان می‌کند. با این نگاه ما نیز در این تحقیق پیش از ورود به بحث اصلی با نگرشی ویژه به بررسی واژه‌های اصلی و کلیدی این نوشتار می‌پردازیم.

### ۱-۶-۱. واژه‌های مترادف شادی

شادی در زبان فارسی معادل سرور و فرح عربی است و واژه بهجت و نشاط هم گاهی به‌عنوان معادل برای آن به‌کار می‌رود اما در نگاه دقیق و با این توضیح که قرآن مجید به فصیح‌ترین زبان نازل شده و در آن واژه‌ها و چینش آن‌ها به گونه‌ای است که علاوه بر افاده اصل معنا حالات را نیز بیان می‌کنند پس می‌توان گفت این واژگان، هر کدام به بُعدی از مفهوم شادی و شادکامی اشاره دارند. در قرآن کریم و روایات

شادی، چپستی و تأثیر آن در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه امیرالمومنین علیه السلام..... ۸.

معصومین علیهم السلام مفهوم شادی با الفاظ متعددی القاء شده است که به عنوان نمونه می توان از فرح، سرور، نشاط، ابتهاج، استبشار، نضره، مرح، طمأنینه، امن، بشاشه، بهجت نام برد. و از واژگانی مانند آسی، حزن، ترح، هم به عنوان الفاظ متضاد با واژگان نامبرده می توان یاد کرد.

### ۱-۱-۶-۱- فرح

برای فرح دو معنای اصلی ذکر شده است:

۱- ائقال، یعنی کسی که قرض بر دوش او سنگینی می کند. و بدین روی در مفردات دارد: رجلٌ مُفْرَحٌ: کسی که زیر بار قرض و وام پشتش خم شده است. <sup>۱</sup> رجلٌ مُفْرَحٌ: أثقله الدين. <sup>۲</sup> المُفْرَحُ الذي قد أفرحه الدَّينُ و الغرْمُ أي أثقله. <sup>۳</sup>

۲- شادی در مقابل حزن و اندوه. فَرَحٌ له أصلان، يدلُّ أحدهما على خلاف الحُزن، و الآخر الإئقال. <sup>۴</sup> بعضی فرح را مطلق سرور معنا کرده و گفته اند: "أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ مَا يُقَابِلُ الْغَمَّ" <sup>۵</sup> الفَرَحُ: نَقِيضُ الْحُزْنِ. <sup>۶</sup>

در اقرب الموارد گوید: "سرور و حبور در شادی ممدوح به کار می رود ولی فرح در شادی مذموم که موجب تکبر است. سرور و حبور از تفکر ناشی است و فرح از قوه شهوت". <sup>۷</sup>

چنانکه راغب نیز فرح را معلول یک لذت دنیایی می داند و می گوید: "الفرح انشراح الصدر بلذة عاجله و اكثر ما يكون ذلك في اللذات البدنية الدنيوية". فرح باز شدن دل و خاطر از شادی، به وسیله لذتی آنی و زودگذر و بیشتر در لذات بدنی است. <sup>۸</sup>

استاد علامه جوادی آملی به راز تفاوت معنایی میان این دو "فرح و حبور" توجه داده و گفته است: "فَرَحٌ در مقابل غم و عبارت است از انبساط و باز شدن مطلق در باطن و درون به گونه ای که گرفتگی و کدورت را برطرف کند (مطلق سرور و شادی). و چون مفهوم فرح بعد از غمگینی و با بر طرف شدن ناراحتی

- 
۱. غلامرضا خسروی، ترجمه مفردات راغب (تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴) دوم، ج ۴، ص: ۳۲ و مبارک بن محمد، جزری، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر (قم: موسسه اسماعیلیان، مصحح: محمود محمد طناحی) چهارم، ج ۵، ص ۳، ۴۲۴.
  ۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، (قم: نشر هجرت، ۱۴۰۹ق) دوم، ج ۹، ص ۲۱۳.
  ۳. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴، سوم، ج ۱۵، ص ۵۴۱.
  ۴. احمد بن فارس زکریای رازی (ابن فارس)، معجم المقاییس اللغه، تحقیق: هارون عبد السلام محمد (قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴) اول، ج ۶، ص ۴۹۹.
  ۵. حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) اول، ج ۱۴، ص ۹، ص ۴۹.
  ۶. محمد بن مکرم ابن منظور، همان، ج ۲، ص ۵۴۱.
  ۷. علی اکبر قرشی بنایی، قاموس قرآن (تهران: دار الکتب الاسلامیه) ششم، ج ۷، ص ۱۵۷.
  ۸. غلامرضا خسروی، همان، ج ۴، ص ۳۱.